

اشعر شعرای دو قرن اخیر کیست؟

و ادبیات شعب مختلف دارد و نگویندکان آنها هم بدستجات متعددی تقسیم میشوند باین لحاظ نمیتوان این مقام اشعریت را محدود بیک نفر نمود برای اینکه مقصود از بهترین گوینده دو قرن اخیر سزاینده بیک قسم از شعر نیست غزل - قصیده - مثنوی - رباعی - مسقط یا انواع دیگر نمیتوان گفت بهترین قصیده سرا (اشعر شعرای دو اخیر است) یا آنکه بحر تقارب و غزل بهتر از دیگران گفته ترجیح دارد.

اقسام شعر هم مانند اقسام موسیقراست که هر یک شنونده را روحی تازه میبخشد و ممکن نمیشود که یکی را بردیگری رجحان داد و گفت فلان آهنگ روح را بهتر پرورش میدهد مثلا وقتی که بدستگاه همایون گوش میدهم ما را مشعوف و خرسند میدارد چگرنه میتوانسیم خواستار دستگاه ماهرشده و در آن واحد محیط بر هر دو شویم

بانتظام این مقدمات معین نمودن (اشعر شعرای دو قرن اخیر) بامشگلانی دست بگریان است که از عهده این بنده که بضاعت ادبی خود را بهتر از دیگران میدانم بر نمی آید که با رای ثابت بگویم (اشعر شعرای دو قرن اخیر . . . است) ولی چون ورود در این مسابقه بسته بذوق است و از طرف نامه گرامی ارمغان هم صاحبان ذوق دعوت شده اند بدین لحاظ نگارنده هم بر حسب ذوق و عقیده خود با

ابتدا باید فهمید مقصود از اشعریت چیست و چه محسناتی در یک نفر شاعر که جمع شود مفتخر باین لقب میگردد و چه مزایائی در کلام او باید موجود باشد پس قبل از ورود در حل قضیه لازمه اشعریت را باید منذر کرد و بعد بین شعرا حکمیت نمود .

هر شاعری که کلام او بیشتر مؤثر باشد البته مقام او ارجمندتر و شان او عظم تر است و همچنین اشعار او که نماینده احساسات درونی اوست باید کمال فصاحت و بلاغت در برداشته باشد .

البته هر شاعری که منظومات او مؤثر و حالت شخص شنونده را متغیر سازد دارای مقام اولویت خواهد بود (همانطوریکه شعر فردوسی در وجود مستمع ایجاد روح شهادت و رشادت و بزرگواری میکند و یا بیک غزل زیبای سعدی یا حافظ روح شنونده را بجائی میرد که غیر از عشق هیچ نیست و یا شنیدن بیک قطعه یا قصیده از رودکی که شخص را از جای خود حرکت میدهد و غیر از اینها)

پس از این مقدمات و تشبیه مفهوم گردید هر شاعری دارای کلام سودمند و مؤثر که توأم با فصاحت و بلاغت و مرکب از کلمات زیبا و ساده باشد میتواند گفت راه نبوغ را پیموده و عظمت شاعری را ربوده .

و نیز این نکته ناگفته نماند که شعر

آوردن دلائل مختصری بمرض میرسانم .

در نظر نخست بین شعرای دو قرن اخیر چهارتن از آنها مانند آفتاب درخشان چشم بیننده را خیره مینمایند میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اصفهانی - فتحعلی خان ملك الشعرا صبای کاشانی میرزا حبیب الله قآنی شیرازی - میرزا صادق خان ادیب الممالک قائم مقامی که بانفاق بیشتر از دانشمندان این چهار نفر بهترین گویندگان دو قرن اخیر هستند .

شعرای دو قرن زیاد هستند و بیشتر آنها بخوبی داد سخن داده اند و چنانچه خوف از اطناب نبود بذكر نام بیشتر از آنها مبادرت مینمود ولی چون بانفاق صاحبان ذوق سلیم و دانشمندان این چهار نفر شاعر بزرگوار دو قرن اخیر در ردیف اول قرار گرفته اند بذكر نام و نشان و حکمیت بین آنها اکتفا میشود نشاط اصفهانی در غزل سرائی دستی بسزا داشته و غزل را بامضامین دلربا و کلمات زیبا و بدون تکلف میسروده و در بین معاصرین خود در غزل سرائی رتبه اول را حائز شده که میتوان گفت هیچ يك از شعرای دو قرن اخیر در غزل سرائی بمقام ارجمند نشاط نرسیده اند ولی چیزی که اشعریت را از او سلب میکند تصاید و اقسام دیگر شعراست که بیشتر راه تکلف پیموده و نتوانسته است در اقسام دیگر شعر غیر از غزل راه نبوغ را بیسپاید برای نمونه چند شعری از ابتداء چند غزلی از آثار وی میآوریم نامقام بلند او در

غزل سرائی مشهود گردد .

غزل

هنوز هم سفرانم گرفته اند عنانم
که این نهره حجاز است و من بکعبه رسیدم

وله

تا توانی بخرابی من ای عشق بکوش
من نه آنم که ازین پس دگر آباد شوم

ونیز

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد
در دل دوست بهرحله رهی باید کرد
ونیز يك شعر از اول قصیده که در توحید
و تجرید گفته :

هوا باد و هوس باران طمع خاک و خطر خضرا
در این گلشن رهی یاران که بنده دل گشاید با
برای پی بردن بمقام نشاط همین مختصر
را مکفی دانست و بقارئین محترم واگذار
می نمایم .

هوا باد و هوس باران طمع خاک و خطر خضرا
در این گلشن رهی یاران که بنده دل گشاید با
برای پی بردن بمقام نشاط همین مختصر
را مکفی دانست و بقارئین محترم واگذار
می نمایم .

این چند شعر را از اول قصیده که بالغ
بر شصت شعر و حاکی از روانی طبع و بلندی شعر
وست می آوریم .

قصیده

تا زمین شد ملك دارای زمان آمد خطاب
زا آسمانش کی زمین بالینتی کنت تراب
اختران من زرشك ربك هامونت به تب
آفتاب من ز شرم کرم شب ثابت بتاب
ناچه کردم من که ماندم زاین سعادت ناامید
ناچه کردی تو که گشتی زین کرامت کامیاب
مر ترا همواره زین شادی به تن چینی پرند
مر مرا پیوسته زین ماتم به بر کھلی نیاب
چند شعر ذیل از مشویات اوست :

سکندر بآیین پایندگی

گرایان سوی چشمه زندگی

حکیمی بدو گفت آموزگار

که ای نامور خسرو روزگار

بگیتی گرت رای آرامش است

ز آرامش آرزو رامش است

جهان خود چو ناپایدار و سبج

از ایندو چه پداری روانتر از برنج

با این ترتیب باید از این دوتن صرف نظر

نموده و بین حکیم قآنی و استاد ادیب المعالک
حکمت نمود .

قآنی بیشتر اقسام شعرا بخوبی سروده

مخصوصا تغزل و قصیده را که اگر در بعضی

جاها تقلید از شعرای پیشین نمینمود بهترین

گویندگان بشمار میرفت همچنانکه بعضی از قصاید

را که بی قصد تقلید گفته بدون التفات راه

نبوغ را سیر کرده .

قصاید ذیل شاهد مدعاست .

قصیده

دلکی هست مرا شیفته و هرجائی =
عملش عشق پرستی هنرش شیدائی
پیشه اش روز بدنبال نکویان رفتن

شب چه پنهان ز تو تا صبح قدح پیمائی

قصیده فوق که بالغ بر ۷۳ بیت می شود

در صفحه ۲۹۶ دیوان وی ملحوظ افتاد .

و نیز از اوست

در شب تاریک شمع ما بود پروانه سوز
لیک چون شد روز سوزد پا و سر یگانه را

شمع را هم نور و هم نار است سوزد لاجرم

نار او یگانه را و نور او پروانه را

وله

در مطلع نانی .

فلک و آوازه است هنجارش جهان زشت است آئینش

همان مهر خسان کینش همین کین کسان دینش

بلی گردون بجز دانا گدازی نیست هنجارش

بلی گیتی بجز نادان نوازی نیست آئینش

از مطلع ثالث

همانا فصل تابستان سر آمد عهد تسعینش

که مایل شد بکفه شب ترازو باز شاهینش

چو بر باز بود اسپد روز از روشنی آویش

که ابر تیره تاری تر نمود از چشم شاهینش

و نیز قصیده

قامت سروی چو نیم بر کنار جویبار

از غم آن سرو قامت جویبار آرم کنار

جویبار آرم کنار خویش از این غیرت که غیر

گیرد او را در کنار و او زمن گیرد کنار

و در شرح سرودن این چکامه بطوریکه استاد دانشمند آقای وحید در دیوان وی نگاشته اند چنین است که شاهزاده طهماسب میرزا برای امتحان استاد معظم مطلع این قصیده را که از حکیم ابوالفرج رونی است میگوید و آن اینست .

شه باز بحضورت رسید همین

یگران مرا بر نهید زین

تا خوی کند از شرم او زمان

چون طی کنم از نعل او زمین

استاد در همان مجلس بدون تحمل چکامه

فرق را میسراید .

و نیز استاد در تنقید اوضاع و احوال مهارت

کامل داشته و بهترین حسن او در شاعری اینست

که پیرامون مدیحه سرانی کمتر رفته و هر جا که

مدحتی گفته زیاده از حد مانند شعرای دیگر مبالغه

نموده است کم قصیده یافت میشود که در آن ممدوح

خود را مانند نشاط اصفهانی با صباح کاشانی و یا

قآنی شیرازی خارج از موضوع و بدون استعانت

مدح کرده باشد . بطوریکه در مقدمه عرض شد شاعر

باید دارای کلام مؤثر و سودمند باشد در اینجا

هم گفته میشود که ادیب الممالک هم از شعرانی

است که دارای کلام مؤثر و سودمند است و همانا

انتقادات او که حاکی از اوضاع هرج مرج مملکت

ماست روح هرایرانی را پزمرده و کسل مینماید

و اوضاع و احوال آنوقت مملکت را بخوبی

بحسب نموده و در آن موقع بوسیله چامه های دلنشین

ملت ایران را بمقام خود متوجه و هوشیار کرده است

ازین قبیل تغزلات و قصاید در دیوان حکیم قآنی بسیار است باید با دقت مطالعه شود تا بزرگی و عظمت وی واضح گردد و از تغزلات و قصایدیکه بطبع خورد و واگذار نموده معلوم گردد چگونه سبقت را در میدان سخنوری از معاصران ربوده و نابغه عصر خود گردیده .

در اینجا است که دایره حکمیت تنگ شده و

باید بین دو نفر شاعر بزرگ دو قرن اخیر (قآنی -

ادیب الممالک) حکمیت نبود ادیب الممالک هم

مانند قآنی اقسام شعر را بخوبی می سروده و در

دیوان وی شعری که ست و بی مغز و در آن راه

نوع بی نمودن باشد کم اتفاق افتاده است .

ادیب الممالک دارای طبعی روان و تکی

روشن بوده است و بطوریکه از گفته های وی

مشهود است در روانی طبع و بلاغت در درجه

اول شعرای دو قرن اخیر واقع گردیده .

و بطوریکه معلوم میگردد در بیشتر از قصاید

و تغزلات قوافی مشکله را انتخاب نموده معذالک

در کمال فصاحت و صراحت احساسات درونی خود

را بروز و ظهور رسانیده .

برای اثبات روانی طبع او چکامه ذیل

را می آوریم .

طهماسب خداوند راستین

داریم و کان در دو آستین

دریا زیبارش برد بسیار

گردون بهیمیش خورد یمین

در صفحه ۴۰۶ دیوان استاد ملاحظه شود .

قارئین محترم خواهند گفت که این قسمت باعث نمیشود که استاد معظم ادیب الممالک را بر حکیم قآنی ترجیح دهیم زیرا آن رویه که دست قائم مقامی افتاده برای قآنی موجود نبود ولی این ابراد وارد نیست بلحاظ اینکه نزد دانشمندان بلکه ملت ایران مبرهن است که اوضاع هرج مرج از زمان فتحعلی شاه قاجار شروع گردیده و در خاتمه سلطنت احمد میرزا ختم گردیده پس از این مدت سلطنت آل قاجار هر کدام از شعرا که بوجود آمده اند زمینه اشعار بر آنها موجود و ملت ایران محتاج بنصایح چکامه های شیوا بوده اند .

اینک برای شهادت به عظمت آن شاعر بزرگ و نابغه سخن مختصری از آثار او مینگاریم .

قصیده

روزی ز جور خصم ستمگر ظلامه

بردم بنزد قاضی صلحیه بلد

دیدم سرای تیره و تنگی پسان گور

تختی شکسته درین آن هشته چون جند

در صفحه ۱۴۳ دیوان وی ملاحظه شود .

قصیده

خدا رحمت کند مرحوم حاجی میرزا آقاسی را

بخشد جای آن بر خلق احزاب سیاسی را

ترقی اعتدالی انقلابی ارتجاعیون

دومکراسی و رادیکال و عشقی اسکناسی را

در صفحه ۱۶ دیوان ملاحظه شود .

قصیده

فضا وساحت عدلیه یارب از چپ و راست
تهی ز مردم دین دارو دین پرست چراست
بنای کج نشود راست گفته اند و یک
بدست کج منشان این بنای کج شده راست
در صفحه ۸۹ دیوان وی ملاحظه شود .
و این قطعه تضمین غزل خواجه حافظ
شیرازی از اوست .

چه مجلس و کلارا ملک مؤسس شد

ستاره بدرخشید و ماه مجلس شد

عنایت شه و بخشایش ولیعهدش

دل ریمده ما را انیس و مونس شد

در صفحه ۱۷۸ دیوان وی ملاحظه شود .

و نیز از اوست .

رباعی

ایدوست یا مستند اوقاف به بین

بی داد و طمع ز قاف تا قاف به بین

این نایب صدر و فخر الاشراف به بین

در قاف قضا دوتن دوسر قاف به بین

رباعی

احزاب فزاده اند در خط جنون

هر لحظه برنگی شده چون بوقلمون

با اینکه نداند برون راز درون

کل حزب بما لدهیم فرعون

قصیده

فریاد از این مشاوره عالی

کز جاهلان پراز عقلا خالی

شهریست ظلم و جور در آن قاضی

ملکیست جهل و حقیق در آن والی

در صفحه ۴۸۹ دیوان وی ملاحظه شود

غزل

باشد دوشنبه موعد دیدار آن پری

میدان جانفشانی و بازار دلبری

دلالت عشق یار خداوند مالدار

بوسه متاع هوش ثمن روح مشتری

در صفحه ۴۹۴ ملاحظه شود .

این مسقط که در تهنیت ولادت حضرت خانم

اینا سروده بالغ برسی و هفت بند میشود .

بر خیز شقر بانا بر بند کجاوه

کز چرخ همی گشت عیان رایت کاوه

از شاخ شجر برخاست آوای چکاوه

وز طول سفر حسرت من گشت علاوه

بگذر بشتاب اندر از رود سماوه

در دیده من بنگر (دریاچه ساوه)

(وز سینه ام آتشکده پارس نمودار)

در صفحه ۵۱۱ ملاحظه شود .

و نیز از اوست .

هنگام بهار آمد جان ای حشرات الارض

از لانه برون آید افزوده بطول و عرض

سازید زیك دیگر نیش و دم و دندان قرص

و آزار خلایق را دانید همیدون فرض

وقت است که هر موری سیمرغ نشان گردد

وز باد بهاری مست چون باده کشان گردد

در صفحه ۵۱۶ دیوان وی ملاحظه شود .

از مشویات اوست .

شیدم که سیمرغ پیروزگر

چنین گفت با رستم زال زر

که از من به بهمن شه تاجدار

همی گو که ای پور اسفندیار

خداوند گیتی در این روز سخت

ترا داد زور و زروتاج و تخت

بدی است با آوردن شه و فوق که مشتمل بر بیشتر

از اقسام شعراست و در هیچ يك لغزشی نداشته و در

هر قسمت پهلوانی خود را در قفون سخن سرانی معلوم

نموده وی را اشعر شعرای دو قرن اخیر

خواهیم دانست .

در نتیجه - بر حسب عقیده این بنده نگارنده این تاج

پرافتخار شایسته فرق استاد معظم (ادیب الممالک

قائم مقامی) است و اوست اشعر شعرای دو قرن

اخیر .

از قم ۹ آذر ماه

